

### چکیده

در این مقاله، به بررسی استعارهٔ مکنیه - که در کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم متوسطه آمده است - پرداخته‌ایم. سعی ما در این مقاله بر این است که با توضیح و بیان مثال‌هایی از کتاب آرایه، به این نتیجه برسیم که اساساً به کار بردن استعارهٔ مکنیه با توجه به معنی استعاره - استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی - کار درستی نیست و به جای آن، پیشنهاد می‌شود از صور خیال دیگر همانند جان بخشیدن به اشیا ۱ (تشخیص)، جان‌دار انگاری ۲ (آنیمیزم) و تجسم‌انگاری ۳ استفاده شود.

### کلید واژه‌ها:

استعاره، استعارهٔ مکنیه، صور خیال، تشخیص، آنیمیزم، تجسم‌انگاری، آرایه‌های ادبی سال سوم.

### یوسف خوش‌نویس

کارشناس ارشد زبان

و ادب فارسی

مدرس دانشگاه آزاد

و پیام نور

و دبیر دبیرستان‌ها

و مراکز پیش‌دانشگاهی

گله‌دار فارس

### مقدمه

پیش از اینکه به اصل موضوع یعنی واکاوی استعارهٔ مکنیه در کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم متوسطه رشتهٔ علوم انسانی بپردازیم، ابتدا استعاره را در لغت و در اصطلاح ادبی به طور مختصر معنی می‌کنیم و آن‌گاه آن را شرح می‌دهیم.

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی عاریه خواستن به امانت گرفتن و در اصطلاح ادبی یعنی امانت گرفتن لغتی به جای لغت دیگر؛ زیرا شاعر در استعاره، واژه‌ای را به علاقهٔ مشابهت به جای واژهٔ دیگری به کار می‌برد. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۵۳)

می‌توان گفت که استعاره از درون تشبیه بیرون می‌آید؛ بدین معنی که از جملهٔ تشبیه‌ی، مشبه، وجه‌شبه و ادات تشبیه را حذف می‌کنیم به نحوی که مشبه به باقی بماند. به این «مشبه به» استعاره می‌گویند. پس استعاره، گشتاری از جملهٔ تشبیه‌ی است. به اصطلاح، ژرف ساخت هر استعاره یک جملهٔ تشبیه‌ی است؛ مثلاً ژرف ساخت «سرو»، که استعاره از «قد بلند» است، چنین بوده است: «قد او از نظر بلندی مانند سرو است». پس از اخذ استعاره از تشبیه، می‌توان آن را با قرینه‌های در کلام به کار برد. «سروی را دیدم که می‌خرامید» (همان: ۱۵۴)

استعاره در واقع همان تشبیه فشرده است؛ یعنی تشبیه را آن قدر خلاصه و فشرده می‌کنیم تا فقط «مشبه به» از آن باقی بماند. همان‌طور که می‌دانیم، در استعاره ادعای یکسانی و این همانی وجود دارد؛ مثلاً وقتی شاعری می‌گوید: «خورشید گل زرد است» دقیقاً می‌خواهد بگوید که نام دیگر «خورشید»، «گل زرد» است. او نمی‌خواهد بگوید که خورشید مثل گل زرد است. بلکه می‌خواهد بگوید که اصلاً خورشید همان گل زرد است؛ یعنی، یک نام خورشید، گل زرد است. (همان)

البته قدما استعاره را به گونه‌ای دیگر تعریف کرده‌اند. «استعاره عبارت است از آن که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند» (همایی، ۱۳۷۶: ۲۵۰). یا در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی این‌گونه آمده است: «استعاره از انواع مجاز است و عبارت است از اضافهٔ (نسبت) مشبه به یا مستعار به مشبه یا مستعار منته که با علاقه باشد. پس اگر مشبه به ذکر و مشبه ترک شود، استعارهٔ مصرحه است و اگر عکس شود استعارهٔ مکنیه. به عبارت دیگر، استعاره چنان است که لفظی را به مناسبت کمال شباهت در یکی از صفات به جای لفظی دیگر به کار برند.» (داد، ۱۳۷۵: ۲۴). ما با توسل به همین معنی استعاره از دیدگاه قدما، خواهیم گفت که به کار بردن استعارهٔ مکنیه به عنوان استعاره درست نیست.

گرچه نظر قدما دربارهٔ بسیاری از مسائل ادبی متین و استوار است و احترام آن‌ها بر ما امری است و واجب، نمی‌توان هر چه را که این بزرگان دربارهٔ بعضی مسائل ادبی گفته‌اند، بدون هیچ چون و چرایی پذیرفت

## قرینه در استعاره

وجود «قرینه» در جمله‌ای که استعاره در آن به کار رفته، الزامی است. قرینه را می‌توان به زبان ساده سرنخ معنی کرد: «یعنی نشانه‌ای در سخن که ذهن شنونده را از معنای حقیقی کلمه منصرف می‌سازد و به سوی معنای استعاری آن می‌برد» (نوروزی، ۱۳۸۰، ۴۳۴). پس قرینه، راه تشخیص استعاره بودن واژه است و گرنه به هیچ وجه نمی‌توان فهمید که واژه مورد نظر در معنای حقیقی خود به کار رفته است یا در معنای مجازی.

برای مثال، وقتی کسی می‌گوید: شیری دیدم که در جبهه می‌جنگید، از روی واژه‌هایی مثل «جبهه» و «جنگیدن» - که قرینه‌اند - می‌توان استنباط کرد که «شیر» در معنای حقیقی خود - نام حیوان - به کار نرفته است. پس، شیر در این مثال استعاره از «رزمنده» است؛ یعنی نام دیگر شیر، رزمنده است.

## انواع استعاره

همان‌طور که می‌دانیم، قداما در کتب بلاغی به چند نوع استعاره اشاره کرده‌اند. تقسیم‌بندی استعاره‌ها بدین گونه است:

۱. استعاره مصرحه مجردة، ۲. استعاره مصرحه مرشحه، ۳. استعاره مصرحه مطلقه، ۴. استعاره مکنیه (کنایی).

در همه این استعاره‌ها فقط «مشبه به» ذکر می‌شود، به جز نوع آخر که در آن مشبه نیز ذکر می‌گردد.

گرچه نظر قداما درباره بسیاری از مسائل ادبی متین و استوار است و احترام آن‌ها بر ما امری است واجب، نمی‌توان هر چه را که این بزرگان درباره بعضی مسائل ادبی گفته‌اند، بدون هیچ چون و چرایی پذیرفت. زیرا امکان اشتباه و خطا در بعضی از گفتارهای آنان وجود دارد.

به نظر ما یکی از اشتباهات ایشان درباره همین استعاره مکنیه است که به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

همان‌طور که بیان شد، بنا به تعریف معنای «دقیق» استعاره - عاریت گرفتن و امانت خواستن واژه‌ای در غیر معنای حقیقی - با کمی دقت نظر در می‌یابیم که در همه انواع استعاره این معنی (مجاز بودن واژه) صحت دارد و کاملاً با معنای استعاره مطابقت می‌کند مگر استعاره مکنیه.

برای یادآوری فرمول‌های سه‌گانه ۴ انواع استعاره مصرحه را در زیر می‌آوریم:

۱. استعاره مجردة: مشبه به + ملایمات مشبه

۲. استعاره مرشحه: مشبه به + ملایمات مشبه به

۳. استعاره مطلقه: مشبه به + ملایمات مشبه و مشبه به

حال آن که فرمول استعاره مکنیه چنین است.

مشبه + یکی از ملایمات مشبه به

دنباله مطلب در وبگاه نشر به

بنا به تعریف معنای «دقیق» استعاره - عاریت گرفتن و امانت خواستن واژه‌ای در غیر معنای حقیقی - با کمی دقت نظر در می‌یابیم که در همه انواع استعاره این معنی (مجاز بودن واژه) صحت دارد و کاملاً با معنای استعاره مطابقت می‌کند مگر استعاره مکنیه

# واکاوی استعاره مکنیه